خبر

رهبر معظم انقلاب:

درگذشت عالم پارسا و با اخلاص را تسلیت عرض می کنم

گروه جامعه - حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی درگذشت عالم پارسا و با اخلاص حجت‌الاسلام حاج سیدیحیی جعفری را تسلیت گفتند.

به گزارش ایرنا سراسری، متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است: «بسم الله الرحمن الرحیم / درگذشت عالم پارسا و با اخلاص جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سیدیحیی جعفری رحمةالله‌علیه را به عموم مردم عزیز کرمان و ارادتمندان آن مرحوم و به خاندان مکرّم و معزّز ایشان تسلیت عرض می‌کنم. سال‌ها خدمت به مردم در مسئولیت‌های گوناگون و شئون متعدد روحانی، همراه با صفا و صدق در گفتار و رفتار، شاخصه‌ی این شخصیت عزیز و مُعتمَد بود. رحمت و رضوان الهی را برای ایشان مسألت می‌کنم».

پیام تسلیت استاندار کرمان؛

آیت‌الله جعفری مرد وفاق و اتحاد بود

گروه جامعه - استاندارکرمان با صدور پیامی درگذشت آیت‌الله سیدیحیی جعفری، نماینده سابق ولی‌فقیه در استان و امام جمعه پیشین کرمان را تسلیت گفت و یادآور شد: «ایشان از روحانیون برجسته و فاضل، مرد وفاق، اتحاد و همراه صمیمی مردم استان کرمان بود».

به گزارش روابط عمومی استانداری، متن پیام تسلیت علی زینی‌وند، استاندار کرمان به این شرح است:«بسم‌الله الرحمن‌الرحیم / انا لله و انا الیه راجعون / رحلت عالم پارسا و مجاهد، آیت‌الله سید یحیی جعفری، یار صدیق امام و رهبری موجب تاسف و تالم گردید.

ایشان از روحانیون برجسته و فاضل، مرد وفاق، اتحاد و همراه صمیمی مردم استان کرمان بودند که در راه انقلاب اسلامی به مبارزه پرداختند و پس از استقرار نظام اسلامی در مسئولیت نماینده ولی‌فقیه در استان و امام جمعه کرمان، منشا خدماتی ارزنده و ماندگار شدند.

این جانب ضایعه‌ی فقدان این روحانی عالی‌قدر و مردمی را به پیشگاه حضرت ولی‌عصر ارواحنا له الفدا، مقام معظم رهبری مدظله العالی، حوزه‌های علمیه، مردم شریف استان کرمان و به‌ویژه بیت مکرم آن مرحوم تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال برای ایشان رحمت واسعه‌ی الهی و تعالی درجات و برای جمیع بازماندگان صبر و اجر مسئلت می‌نمایم».

اولویت‌های پژوهشی کرمان اعلام شد؛

تاثیر مهاجران افغان بر حاشیه‌نشینی و شناسایی حریم گسل‌ها

گروه جامعه - سرپرست معاونت توسعه مدیریت و منابع استانداری کرمان از اعلام اولویت‌های پژوهشی استانداری کرمان به مراکز پژوهشی و فناوری استان خبر داد و گفت که بررسی تاثیر حضور اتباع افغانستانی بر شدت معضل حاشیه‌نشینی در شهر کرمان و شناسایی موقعیت و حریم گسل‌های استان با توجه به زلزله‌خیز بودن استان و تاثیرپذیری مناطق مختلف از این بلای طبیعی، جزو اولویت‌های پژوهشی قرار دارند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی استانداری کرمان، محمدرضا وفائی بیان کرد: «اولویت‌های پژوهشی استانداری کرمان به تمام مراکز پژوهشی و فناوری استان شامل دانشگاه‌ها، موسسات آموزش عالی دولتی و غیردولتی، پارک‌های علم و فناوری و موسسات پژوهشی اعلام شد».

وی افزود: «بررسی تاثیر حضور اتباع افغانستانی بر شدت معضل حاشیه‌نشینی در شهر کرمان از جمله این اولویت‌هاست».

وفائی با اشاره به زلزله‌خیز بودن استان و تاثیرپذیری مناطق مختلف از این بلای طبیعی، ادامه داد: «بر همین اساس شناسایی موقعیت و حریم گسل‌های استان جزو اولویت‌های پژوهشی قرار دارد».

وی بررسی مدل برنامه‌ی پیشرفت اجتماع‌محور بافت‌های ناکارآمد غیررسمی شهرهای ایران در چارچوب نظریه‌ی عدالت در برخی مناطق کرمان و بررسی مبانی الگوی پیشرفت دولت رفاه‌گستر با رویکرد عدالت اجتماعی با توجه به شرایط اقتصاد سیاسی استان را از دیگر اولویت‌های پژوهشی استان اعلام کرد.

آگهی تغییرات

آگهی تغییرات شرکت مکران پخش کویر شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۵۶۵۷ و شناسه ملی ۱۰۸۶۰۲۴۹۵۴۰ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۲۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ۱ - موسسه حسابرسی امین محاسب پارس حسابداران رسمی با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۸۶۱۳۰ به عنوان بازرس اصلی و آقای مهدی سلیمان زاده با کدملی ۲۹۹۲۲۰۳۲۸۹ به عنوان بازرس علی البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند. شناسه آگهی ۱۰۴۹۸۱۹

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری کرمان

اگهی مفقودی

پروانه اشتغال به کار مهندسی برق این‌جانب زهرا احمدی کوثرریزی به شماره عضویت ۱۸۵۰۰۱۸۵۵ و شماره اشتغال ۱۸۵۰۰۰۰۲۷۵ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

گزارش دیدار و گفت‌وگو با زنده‌یاد آیت‌الله سید یحیی جعفری

اختلافات غمگینم می کند

اسما پورزنگی‌آبادی

زنده‌یاد آیت‌الله سیدیحیی جعفری، امام جمعه سابق کرمان، عصر شنبه اول آذرماه جان به جان‌آفرین تسلیم کرد. او که هم در دوران نهضت و هم پس از پیروزی انقلاب، یکی از شخصیت‌های تاثیرگذار معاصر کرمان بود، سال ۹۶ و پس از ۳۷ سال که به‌عنوان نماینده ولی‌فقیه در استان و امام جمعه کرمان مسئولیت داشت، استعفا کرد. استعفایی که با مخالفت گسترده‌ای از سوی مردم و مقامات و شخصیت‌ها مواجه شد. در همان ایام، به‌دیدار آیت‌الله رفتم تا برایم از زندگی گذشته و علایق‌اش بگوید که نتیجه شد گزارشی که این‌بار، به مناسبت درگذشت او، بازنشر داده می‌شود.

«دلم می‌خواست خیلی چیزها راجع به او بدانم. قبل از همه این‌که چه فیلم‌هایی را خیلی می‌پسندد؟ چه شعرهایی می‌خواند؟ چه سازی را می‌شنود؟ چه کتاب‌هایی را بیش‌تر می‌خواند؟ و خیلی چیزهای دیگر که کنکاشی در احوال روزمره و روحیات «آخوند مردمی» باشد. شنیده‌ام هنردوست است و می‌خواستم قبل از هرچیز از هنر و دوستی‌اش با اهالی هنر بدانم و بعد خیلی علاقه‌مند بودم مرا به خاطرات گذشته‌اش دعوت کند و از شیطنت‌های دوران نوجوانی و جوانی‌اش بگوید؛ آن زمان که به مکتب‌خانه می‌رفت. مکتب‌خانه احتمالا در همان روستای زادگاهش بوده است. روستای «جور». می‌خواستم روایت او از مدرسه‌ی دوشاب‌خانه‌ی کوهبنان را هم بشنوم. از تلخی و شیرینی درس خواندن در آن دوران بگوید و از معلم‌هایش. از پدرش بگوید و از پدربزرگش که هر دو از علما و روحانیون کوهبنان بوده‌اند. حتی دلم می‌خواست وقتی روبه‌رویش قرار گرفتم بی‌پروا بخواهم از آشنایی‌اش با مرحومه حاج خانم بگوید؛ از ماجرای عاشق شدنش و از لحظه‌ی «بله» شنیدنش و از مهریه‌اش و از تولد فرزندانش. از سال‌های سال همراهی حاج خانم و اضطرابش وقتی که مرد خانه‌اش علیه رژیم به مبارزه برخاسته و دمی هم از پا نمی‌نشست.

دلم می‌خواست به او بگویم: «حاج آقا؛ ممکن است از رویاهایی بگویید که در آن روزهای پرداهره‌ی دوران سلطنت پهلوی سراغ‌تان می‌آمد؟ از آرمان‌هایتان می‌گویید؟ آرمان‌هایی که از زمانی که جوانی پرشور بودید تا این لحظه بر سر آن ایستاده‌اید؟». باید از او خیلی چیزها را می‌پرسیدم. از حوزه‌ی علمیه‌ی کرمان و نشستن پای درس بزرگانی چون آیت‌الله علی‌اصغر صالحی‌کرمانی، شیخ علی‌اصغر شیخ‌الرئیس، آیت‌الله محمدعلی موحدی کرمانی و میرزا علی مهرابی‌کرمانی. باید از مشق عشق در حوزه‌ی علمیه‌ی قم پای درس علامه سید محمدحسین طباطبایی از او می‌پرسیدم. از درس‌هایی که در محضر آیت‌الله حسینعلی منتظری آموخت و از آنچه در پیشگاه آیت‌الله مشکینی و میرزا محمد مجاهدی بر روح و جانش نشست و از امام همیشه‌اش «خمینی (ره)» بگوید که در حوزه‌ی قم با ایشان و افکارشان آشنا شده بود.

دلم می‌خواست خودم را جای کسانی بگذارم که چند روز پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در مسجد جامع، پای منبر او نشسته و او برایشان از شهامت و آزادی و دفاع از حقوق اجتماعی می‌گفت. سخنرانی‌ای که او بی‌اعتنا به تهدید سران نظامی و امنیتی رژیم که گفته بودند نباید در منابر به نقد اوضاع اجتماعی کشور پرداخته شود انجام داد و ساواک درباره‌اش گزارش داد: «در مسجد جامع، سید یحیی جعفری مطالبی درباره‌ی امر به معروف و نهی از منکر ایراد کرده و مردم را به شهامت و پایداری و اتحاد و دفاع از حقوق اجتماعی و مبارزه و ایستادگی در مقابل ظلم و ستم تا ظهور امام زمان (عج) تبلیغ و اظهار داشته: اموری که نباید آزاد باشد آزاد و مواردی که باید آزاد باشد تحت قید و بند قرار داده‌اند. آیت‌الله خمینی را جاسوس می‌خوانند چرا خودشان را معرفی نمی‌کنند؟ هرقدر ما را تحت فشار قرار دهند مبارزتر و جری‌تر خواهیم شد».

او امروز، سالخورده مرد مبارزی است که خیلی از ما او را نشناخته و حتی نمی‌دانیم برای ما و انقلاب و کشور چه کارهای بزرگی کرده است؟

یک مرد نیک‌سیرت با روحیه‌ی میانه‌رو و همیشه وفادار به چند چیز؛ «مکتب اسلام، انقلاب و نظام جمهوری اسلامی».

و من دلم می‌خواست خیلی چیزها راجع به او بدانم؛ دوست داشتم وقتی پای صحبت‌هایش نشستم برایم از تصمیمی بگوید که در پی آن، از شرکت در جشن‌ها و مراسم دولتی رژیم پهلوی امتناع کرد و به دعوت‌نامه‌ای که از دربار برای «مراسم نیایش» و «شجاعان شهید» به او رسیده بود بی‌اعتنایی کرد؛ صحبت از سال‌های ابتدایی نهضت است و فضایی امنیتی و رعب‌انگیز. آیت‌الله جعفری در این هنگام و هنگامه بود که مواضع سیاسی خود را شجاعانه نشان می‌داد و آخر سر هم موجب آن شد تا ساواک او و رفتار و گفتارش را تحت کنترل و نظارت جدی قرار بدهد؛ از گماشتن تیم‌های تعقیب و مراقبتی که احتمالا در کوچه و خیابان رد او را دنبال می‌کردند تا حتی شنود تلفن‌هایش. از هیچ شیوه‌ای برای کنترل او فروگذار نکردند. دلم می‌خواست از او بپرسم: «حاج‌آقا! از تهدید جان‌تان نمی‌ترسیدید؟ مگر می‌شود از شقاوت ساواک بی‌خبر بوده باشید؟ آن‌ها که به خانه‌تان آمدند و تهدیدتان کردند و گفتند که اگر ادامه دهید دستگیرتان می‌کنند؛ چرا دست برنداشتید؟ چه چیزی به شما دل و جرات می‌داد از این فشار و ارعاب نهراسید؟».

می‌دانم اگر این سوال را می‌پرسیدم با لبخندی پدرانه برایم از آرمان‌هایش می‌گفت و از امام (ره). و من چه‌قدر دلم می‌خواست این چیزها را برایم بگوید.

در کتابی که مدتی پیش درباره‌ی فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی او به روایت اسناد ساواک منتشر شد، خوانده بودم که آیت‌الله جعفری آن روزها آن‌قدر بر سر عهد و پیمانش با امام خمینی (ره) ماند تا از طرف ساواک به عنوان «یکی از مهم‌ترین چهره‌های انقلابی استان کرمان» معرفی شد و تحت کنترل ویژه‌ای قرار گرفت و در سال ۱۳۵۴ هم به همراه ۱۲ تن از دیگر روحانیون کرمان از جمله آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، آیت‌الله حجتی کرمانی و آیت‌الله عباس حقیقی حتی از کشور ممنوع‌الخروج شد. او اما شجاعانه و وفادارانه مسیری که آغاز کرده بود را ادامه می‌داد؛ به دیدار علمایی که به کرمان تبعید شده بودند می‌رفت، به قم می‌رفت و با روحانیون مخالف رژیم دیدار می‌کرد، سال ۱۳۵۶ هم به ایرانشهر رفت؛ به دیدار آیت‌الله محمدجواد حجتی‌کرمانی که ساواک او را «واعظ تبعیدی» خوانده است. در چهلم شهدای قم بازار کرمان را تعطیل کرد، به رئیس‌جمهور فرانسه برای تجلیل از امام خمینی (ره) تلگراف زد، به شهرستان‌ها رفت و سخنرانی کرد و در تمامی جنایاتی که رژیم شاه علیه انقلابیون مرتکب می‌شد روی منبر می‌رفت و به افشاگری می‌پرداخت و روشنگری.

در یکی از اسناد ساواک آمده است: «واعظ نامبرده در بین مردم کرمان نیز طرفداران زیادی دارد. از کوچک‌ترین حوادث و اتفاقات بهره‌برداری کرده و مردم را علیه امنیت کشور و مقام شامخ سلطنت تحریک می‌نماید».

حالا من با ذهنی مملو از پرسش و در زمانی دارم از پله‌های دفتر او بالا می‌روم که بیش از ۴۰ سال از آن روزهای پرالتهاب گذشته، انقلاب پیروز شده و نه از ساواک خبری مانده و نه از پهلوی اثری اما آیت‌الله جعفری همچنان در همان جاده‌ای در حرکت است که از سال‌های دهه‌ی ۴۰ در آن پا گذاشته بود؛ این بار اما او در جایگاه نمایندگی ولی‌فقیه و امامت جمعه کرمان، رو به درِ ورودی یک اتاق ساده و معمولی، پشت یک میز چوبی کوچک نشسته که تعداد زیادی کتاب روی آن قرار دارد.

ورود به اتاق کارش هیچ تشریفات خاصی ندارد حتی درِ ورودی را باز گذاشته و امکان در زدن و اجازه‌ی ورود را هم گرفته و این یعنی همه جا و همیشه بی‌پرده با مردم. سالیان درازی است که افراد از گروه‌های مختلف از پله‌ها بالا آمده، کفش‌ها را در آورده و با پشت سر گذاشتن دو اتاق، او را ملاقات کرده‌اند؛ پیرمردی با عمامه‌ی مشکی، چشمانی درشت و چهره‌ای روشن و نگاهی پرابهت. در آستانه‌ی در اتاقش که قرار گرفتم؛ مسئول دفتر پرسید: «برای کار شخصی آمده‌ای؟». لبخندی زدم و وارد اتاق شدم. حس غریبی داشتم و قدری اضطراب هم با من همراه بود.

روزهای خوبی نبود. آیت‌الله از مسئولیت خود کناره‌گیری کرده و همه را شوکه کرده بود. من به واسطه‌ی یکی از نزدیکانش، خواستم که اجازه بدهد برای ملاقاتش بروم. پذیرفته بود با این حال، قرار هم بر این گذاشته شد گفت‌وگو در شکل مرسوم روزنامه‌نگارانه نداشته باشیم. فقط یک دیدار و تمام و حالا من میهمان او شده بودم. تا که سلام دادم، عصایش را صاف کرد، به آن تکیه داد، به سمت جلو خم شد تا به احترامم از جایش برخیزد و من شرم‌زده از او خواستم که برنخیزد و فوری خودم را به صندلی رساندم؛ روی صندلی‌ای دست راست او نشستم و وقتی ضبطم را روشن کردم، دیگر از اضطراب پیشین هیچ خبری نبود. حالا نگاه مهربانش را هم بهتر حس می‌کردم؛ به مهربانی نگاه پدربزرگم بود و فضا آن‌چنان لطیف و تکلّف آن‌چنان دور بود که نمی‌توانستم باور کنم این همه آرامش و طمانینه از آن همان کسی است که یک زمانی در مقابل تهدید و تیر و تشر ساواک، آن سخنرانی‌های پرحرارت را ایراد می‌کرده است.

حالا همه‌ی آن روزها گذشته است و من می‌خواستم راجع به او خیلی چیزها را بدانم. باید سر گفت‌وگو را باز کرده و می‌پرسیدم: چه کتابی را بیش‌تر دوست دارید؟ چه فیلمی را و چه شعر و کدام موسیقی را؟! اما او تا که دانست برای گفتن از خودش سراغش آمده‌ام، چندان استقبال نکرد. گفت: «من کسالت دارم و حالم مساعد نیست و نمی‌توانم زیاد حرف بزنم». به او حق دادم و از این‌که در چنین شرایطی به درخواست من برای دیدار پاسخ مثبت داده سپاسگزاری کردم. در یک قدمی امام جمعه کرمان نشسته بودم؛ از ناراحتی کرمانی‌ها گفتم وقتی خبر کناره‌گیری‌اش را شنیده‌اند و گفت که می‌داند و بارها و بارها از گروه‌های مختلف به این خاطر قدردانی کرد.

من هم همه‌ی آنچه از روز قبل در ذهنم ولوله به پا کرده بود تا از او بپرسم را به کناری راندم و گفتم: «حاج آقا؛ شما نزد گروه‌های مختلف از سیاسیون گرفته تا هنرمندان و حتی مردم کوچه بازار کرمان جایگاه والایی دارید و همه دوست‌دار شما هستند؛ راز محبوبیت‌تان را به من می‌گویید؟». لبخندی زد و با لحنی سرشار از عطوفت پدرانه گفت: «این سوال را از من می‌پرسید که از خودم تعریف کنم؟». سکوت کردم تا در برابر تواضع او تعظیم کرده باشم. در جوابم گفت: «اگر فرمایش جنابعالی صحیح باشد که من محبوبیتی داشته باشم رمز و رازش این است که من در طول مدت ۳۷ سال که در سمت امامت جمعه کرمان بودم طبق موازین شرعی و اخلاقی عمل کردم و از خط بازی اجتناب ورزیدم. مسئله‌ی مهم این است که من در عمل نه اصولگرا بودم و نه اصلاح‌طلب. البته قلبا من هم ممکن است به یکی از دو این مسئله گرایش داشته باشم ولی در عمل جوری برخورد کردم که با همه‌ی گروه‌ها و قشرهای سیاسی و مذهبی رابطه‌ی خوبی داشتم و الان هم دارم. فکر می‌کنم اگر محبوبیت و مقبولیتی وجود داشته باشد از همین است».

فوری پرسیدم: «این اما کار ساده‌ای نیست. چطور توانستید بر خواسته‌ی شخصی خودتان که گرایش به یکی از دو حزب بوده غلبه کنید؟» با خونسردی جوابم را داد: «این کار محالی نیست. وقتی انسان تشخیص داد راه درست و صحیح چیست و اگر برخلاف آن عمل کند گرفتار ناراحتی خواهد شد؛ پس راه درست را انتخاب می‌کند و ادامه می‌دهد».

و بعد با یک فروتنی مثال زدنی گفت: «من از این سمت به دلیل پیری و مشکلاتی که وجود داشت استعفا دادم؛ ولی قشرهای مختلف از دانشگاهی تا سایرین به من اظهار محبت کردند. حتی نسبت به من غلو هم کردند. مردم ما، مردم خوبی هستند. ما برایشان کار زیادی نکردیم. همین که جواب مردم را دادیم و افراد به راحتی می‌توانستند با ما تماس بگیرند و ملاقات کنند و مشکلات‌شان را بگویند و حل کنند، می‌گویند کار مهم کردید. مردم به ما اظهار لطف و محبت دارند».

سوالات در ذهنم رژه می‌روند و می‌بینم حاج‌آقا سرفه‌های خفیفی می‌زند و چندان حال مساعدی ندارد؛ نمی‌دانم کار درستی است ادامه بدهم؟ اما هرچه باشد باید این فرصت دیدار را غنیمت بشمرم:«حاج‌آقا شیرین‌ترین دوران زندگی شما مربوط به چه زمانی است؟». من پرسیدم و او جواب داد: «دوران تحصیل شیرین‌ترین دوران زندگی‌ام بود».

چرا؟ در پاسخ توضیح داد: «کسب علم و دانش خیلی شیرین است. علم اهمیت زیادی دارد و من الان حالم مساعد نیست تا درباره‌ی این موضوع برای شما توضیح کافی بدهم فقط این را بگویم که اسلام رفتن دنبال علم و دانش را یک فریضه‌ی واجب می‌داند همان‌طور که نماز و روزه واجب است».

سمت راست و چپ میز و صندلی او دو کمد کتابخانه‌ی نسبتا پر کتاب قرار داشت و روی میزش هم پر از کتاب بود؛ ناگهان چشمم به جلد یکی از کتاب‌های روی میزش افتاد و توانستم اسم آن را بخوانم؛ «کرمان در آینه‌ی گردشگری». پرسیدم دارید این کتاب را مطالعه می‌کنید؟ گفت: «این کتاب را آقای محمدعلی گلاب‌زاده به من داده‌اند. قبلا مطالعه‌اش کردم». می‌پرسم: «کدام‌یک از جاذبه‌های گردشگری کرمان را بیش‌تر دوست دارید؟» و در پاسخ می‌گوید: «به دشت و بیابان و کوه زیاد علاقه دارم ولی به دلیل پیری نمی‌توانم بروم. من حتی راه رفتن هم برایم مشکل شده است».

آهی می‌کشم و با تمام وجودم برایش آرزوی سلامتی می‌کنم و از او می‌خواهم تا یک کتاب خوب به ما جوانان معرفی کند؛ توصیه می‌کند که انواع کتاب‌ها را مطالعه کنیم و با تقویت قدرت استنباط، از بهترین‌هایشان پند بگیریم. با این‌حال پیشنهاد می‌دهد کتاب «عدل» استاد شهید مطهری را بخوانیم که به شبهات دینی جوانان پاسخ می‌دهد.

می‌دانم نباید پرحرفی می‌کردم. آیت‌الله حال مساعدی نداشت. با این‌حال از بزرگ‌ترین آرزوی امام جمعه‌مان هم می‌پرسم؛ می‌گوید: «همیشه آرزو داشته‌ام که بتوانم تا آخر، استقامت و آرامش خود را حفظ کنم. دلم می‌خواسته فرزندان و همسرم زندگی سعادتمندی داشته باشند و متدین و دیندار و خداترس باشند. تا حدودی هم راضی هستم».

کوتاه و مفید پاسخ می‌دهد و ترغیبم می‌کند باز هم سوال کنم: «حاج آقا؛ ممکن است به من هم بگویید که چه چیزی شما را شاد و چه چیزی غمگین‌تان می‌کند؟»؛ می‌گوید: «وقتی جامعه با وحدت و انسجام برحسب قانون و مقررات اداره شود و همه‌ی قشرها راضی باشند من هم خوشحالم و وقتی در جامعه اختلاف به وجود آمده باشد حالا چه عمدا یا غیرعمد و ببینم عده‌ای دارند کاری می‌کنند تا در جامعه فضای وحدت نباشد غمگین و ناراحت می‌شوم. چون اختلاف همه‌ی خوبی‌ها را از بین می‌برد. ما با عامل وحدت و انسجام توانستیم انقلاب کنیم و در جنگ هشت ساله استقامت کنیم و در برابر توطئه‌های آمریکا و صهیونیسم بین‌الملل پایداری کنیم»...

این جملاتش نه فقط پند و شرح یک احساس، بلکه خلاصه‌ای از عملکرد ۳۷ ساله‌ی او در کسوت نمایندگی ولی‌فقیه در استان و امامت جمعه کرمان است. او به گواه همگان، همیشه مرد اعتدال بوده است.

انقلاب که پیروز شد، نه رفت دانشگاه که عضو هیات علمی بشود و نه سراغ دکتر شدن و پژوهشگر شدن را گرفت. انگار ماموریتی برای خود تعریف کرده بود تا در امتداد راه انقلاب و پیشبرد اهداف آن در صحنه بماند؛ مدتی ریاست عقیدتی سیاسی شهربانی کرمان را برعهده گرفت و مدتی هم ریاست جمعیت هلال‌احمر کرمان را. تا این‌که در تاریخ ۱۵ خردادماه ۱۳۵۹ از طرف امام خمینی (ره) به امامت جمعه‌ی کرمان منصوب شد و پنجشنبه‌ی گذشته برای همیشه از این سمت کناره‌گیری کرد. نه فقط این استعفا و وانهادن مسئولیتی چنین پراهمیت بلکه تمام راهی که او رفته، معنا دارد. او در سیاست، دیانت را اصل قرار داد، تریبون نماز جمعه و منبر را هرگز خرج این و آن نکرد. با مردم، نه از مسائل کوچک مثل جدال‌های سیاسی سخن گفت و نه مسائل خیلی بزرگ فقهی و فلسفی. مردم را دید و با مردم از خود آن‌ها گفت. از گرانی گلایه کرد، از کم‌آبی گفت و از هر مسئله‌ای که تشخیص می‌داد گفتنش، دردی از مردم را دوا می‌کند. او مردی برای تمام فصول بود و هست و خواهد بود و مردم کرمان تا همیشه را در قلب و یاد خود جاودانه‌اش خواهند داشت. او از دیروز جمعه، در کوی شماره‌ی دو خیابانی سکنی گزیده که اگر چه نام آیت‌الله سید یحیی جعفری را بر پیشانی ندارد اما تا همیشه شنیدن و گفتن نام آن، امام جمعه‌ی مردمی کرمان را به یاد خواهد آورد». روحش شاد و یادش گرامی. / الف

آگهی مناقصه عمومی تجدید شده شماره ۳۴/۹۹/ع

شرکت معدنی و صنعتی گل گهر (سهامی عام) در نظر دارد پروژه "طراحی ،خرید ، نصب و راه اندازی سیستم اطفاء حریق گازی FM۲۰۰ دفاتر بایگانی" خود را به طور توأم و بصورت EPC ، از طریق برگزاری مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا کلیه متقاضیان می‌توانند جهت اخذ اسناد مناقصه به آدرس الکترونیکی WWW.GEG.IR مراجعه و اسناد مذکور را به همراه فرم پرسشنامه ارزیابی تأمین کنندگان از قسمت تأمین کنندگان و مشتریان – مناقصه ها دانلود نمایند. مهلت تحویل پاکات ساعت ۹ الی ۱۴ روز شنبه مورخ ۹۹/۹/۱۵ در محل دفترکمیسیون معاملات مجتمع و یا دبیرخانه دفتر مرکزی تهران می باشد. ضمناً بازدید از محل اجرای موضوع مناقصه روز شنبه مورخ ۹۹/۹/۸ مقرر شده است. شرکت معدنی و صنعتی گل گهر در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات بدون نیاز به ذکر دلیل و بدون جبران خسارت مختار می‌باشد.

مدیریت قراردادها و معاملات شرکت معدنی و صنعتی گل گهر

خبر

آیت‌الله جعفری امام جمعه سابق کرمان به خاک سپرده شد؛

خداحافظی با عالمی پارسا و مردم‌دار

گروه جامعه – آیین تشییع پیکر آیت‌الله سیدیحیی جعفری نماینده سابق ولی‌فقیه در استان و امام جمعه کرمان برگزار و پیکر این عالم پارسا و مردم‌دار در آرامستان مسجد صاحب‌الزمان کرمان به خاک سپرده شد.

به گزارش تسنیم کرمان، آیین تشییع و تدفین پیکر آیت‌الله سیدیحیی جعفری نماینده سابق ولی‌فقیه در استان کرمان و رئیس شورای حوزه‌های علمیه استان صبح دوشنبه سوم آذرماه، به دلیل رعایت پروتکل‌های بهداشتی مقابله با کرونا، با حضور خانواده و جمعیت محدود برگزار شد.

پیکر امام جمعه سابق کرمان عصر روز گذشته پس از غسل در منزل به مصلی بزرگ امام علی(ع) شهر کرمان منتقل شد و صبح دوشنبه سوم آذرماه حجت‌الاسلام‌والمسلمین حسن علیدادی‌سلیمانی نماینده ولی‌فقیه در استان و امام جمعه کرمان بر پیکر آیت‌الله سیدیحیی جعفری نماز خواند. پیکر آیت‌الله جعفری پس از تشییع در آرامگاه خانوادگی ایشان در بالای گلزار شهدای کرمان دفن شد.

آیت‌الله سیدیحیی جعفری متولد ۱۳۱۰، روستای جور شهرستان کوهبنان و از مبارزان انقلاب بود که از سال ۱۳۵۹ با حکم امام خمینی(ره) عهده‌دار نمایندگی ولی‌فقیه در استان و امامت جمعه کرمان شد.

این عالم پارسا و با اخلاص سال ۹۶ از امامت جمعه کرمان به علت کهولت سن کناره‌گیری کرد و به ریاست شورای حوزه‌های علمیه استان کرمان منصوب شد.

آیت‌الله جعفری عصر روز شنبه اول آذر در سن ۸۹ سالگی به علت ایست قلبی دار فانی را وداع گفت. روحش شاد.

نظرگاه

کاریزما و محبوبیت آیت‌الله جعفری

محمد لطیف‌کار

در یکی دو روز گذشته صدها پیام، خاطره و یادکرد در باره‌ی آیت‌الله سیدیحیی جعفری نماینده ولی فقیه و امام جمعه‌ی سابق کرمان در رسانه‌ها منتشر شده است. بررسی اجمالی آن‌ها نشان می‌دهد که مردم چه چیزی را در سایر انسان‌ها و مسئولان بیشتر، می‌پسندند. با اطمینان می‌گویم فصل مشترک همه‌ی حرف‌ها و اظهارنظرهایی که درباره‌ی ویژگی‌های شخصیتی ایشان بیان شده است، روحیه‌ی اعتدال‌گرایی و مداراجویی او است. در همین‌حال، کفه‌ی ترازوی این مداراجویی‌اش همواره به سمت مردم‌داری و مهربانی‌های مدام او بود، که حالا تبدیل به خاطرات شیرین و ماندگار شده است.

محسن جلال‌پور فعال اقتصادی و از چهره‌های خوشنام کرمان، که می‌دانم رابطه‌ی خوب و نزدیکی با ایشان داشت ساعتی بعد از درگذشت آیت‌الله جعفری در کانال تلگرامی‌اش درباره‌ی او نوشت: «یقین دارم کرمانی‌ها قبول دارند که آیت‌الله جعفری انسان شریفی بود که همواره سمت مردم ایستاد و با مردم زیست و همواره در بین و برای مردم کار کرد و برای همیشه چهره‌ای قابل احترام از خود به یادگار گذاشت». قصد ندارم باز هم نمونه بیاورم. خلاصه‌ی کلام، این‌که با روحیه‌ای که آیت‌الله جعفری در زمان حیات خویش داشت، مهرش بر دل‌ها نشسته بود. از این رو، خبر درگذشت او را نباید یک اتفاق معمولی دانست؛ حتما با شنیدن این خبر، قلب‌های زیادی به یاد او تپیده، و به درد آمده است.

او یک روحانی بود، و تا پایان عمر خویش هم یک روحانی باقی ماند، و با وجود مسئولیت‌های مهمی که داشت هیچگاه مثل یک صاحب منصب، با جلال و جبروت در میان مردم و ارتباط با کسانی که به کمک او نیازمند بودند رفتار نکرد. او با یک محبوبیت زیاد در میان مردم زندگی کرد، و مدارا و دوستی با دیگران و جریانات مختلف سیاسی و اجتماعی را سرلوحه‌ی رفتار فردی و اجتماعی خود قرار داده بود.

حدود سه سال پیش، وقتی موضوع کناره‌گیری او به‌دلیل خستگی ناشی از کهولت، مطرح شد، شاهد موجی از اندوه در کرمان بودم، که دلیل اصلی آن، همین گرایشات مردمی، و ساده زیستی او بود. در همان زمان که دیگر سمتی نداشت، اسما پورزنگی‌آبادی خبرنگار و دبیر تحریریه‌ی استقامت با تلاش زیاد توانست او را برای انجام یک گفت‌وگوی مطبوعاتی راضی کند. پیشنهاد می‌کنم این گزارش دیدار را بخوانید تا به وجه غالب رفتار او که نازک‌دلی و سادگی او بود بیشتر آشنا شوید. ماحصل همه‌ی حرف‌های او در این مصاحبه، تیتر مطلبی است که برای این گزارش انتخاب شده است: «اختلافات غمگین‌ام می‌کند»!

به گمان من، اگرچه نام آیت‌الله جعفری در تاریخ اجتماعی کرمان ماندگار می‌شود؛ اما بهتر است، به همراه نام نیک‌اش، تلاش کنیم تا راه و رسم او هم بماند؛ و دنبال این باشیم که او چگونه به چنین کاریزما و محبوبیتی دست یافته بود. روحش شاد و یادش گرامی باد.

تسلیت

هم اول خداوند...
مرگ پایان کبوتر نیست...

دوست شاعر و عاشق، جناب استاد سیدعلی میرافضلی گرامی

کلمات گاهی در روایت اندوهان شگفت ناتوانند. به‌راستی چگونه می‌توان در سوگ آنان که آموزگاران زندگی، عشق و شفقت هستند، شعری سرود یا ترانه‌ای گفت؟!

اینجاست که کلمات چون بارانی محزون بر صفحه می‌بارند و دشت سینه را به یادها می‌آرایند.

به هر روی مصیبت تلخ است و با یادکرد مهر عزیز از دست رفته تنها باید مشیت الهی را پذیرفت و صبورانه به رضای حق و حقیقت مطلق لبیک گفت هرچند؛ «خون می‌چکد از دیده در این کنج صبوری / این صبر که من می‌کنم افشردن جان است...»

دوست شاعر و عاشق؛ جناب استاد میرافضلی گرامی، ما را در اندوه از دست دادن پدر بزرگوار خود شریک و همراه بدان؛ در این روزهای غمگین و خزان‌زده...

باشد که بهشت باشکوه ارزانی آن سلاله‌ی پاکی و ایمان باشد، و صبر و اجر نصیب بازماندگان، به ویژه حضرتعالی شود.

«ما را سری است با تو که گر خلق روزگار / دشمن شوند و سر برود هم برآن سریم...»

حسن رجبی بهجت
محمد شریفی نعمت‌آباد
محمدعلی علومی
اکبر خدادادی
روح‌الله ابوالهادی
مهدی محبی‌کرمانی
حمید نیک‌نفس
رضا شمسی
حمد یوسف‌زاده
مجتبی احمدی
مهدی صمدانی
اسما پورزنگی‌آبادی
محمد لطیف‌کار
سید نظام‌الدین نعمت‌الله‌زاده

آگهی تغییرات

آگهی تغییرات شرکت توسعه دهندگان صنایع انرژی سبز کویر شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۸۵۶۵ و شناسه ملی ۱۰۶۳۰۱۴۵۱۹۰ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۹/۸/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ۱ - اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل به مدت دو سال تعیین گردیدند: - آقای حمیدرضا صنعتی با کد ملی ۲۹۹۳۷۶۵۸۷۶ ، آقای امین رضا صنعتی با کد ملی ۲۹۹۴۰۰۳۱۱۲ ، خانم راحله صنعتی با کد ملی ۲